

یا فاضل
(س) از هرا

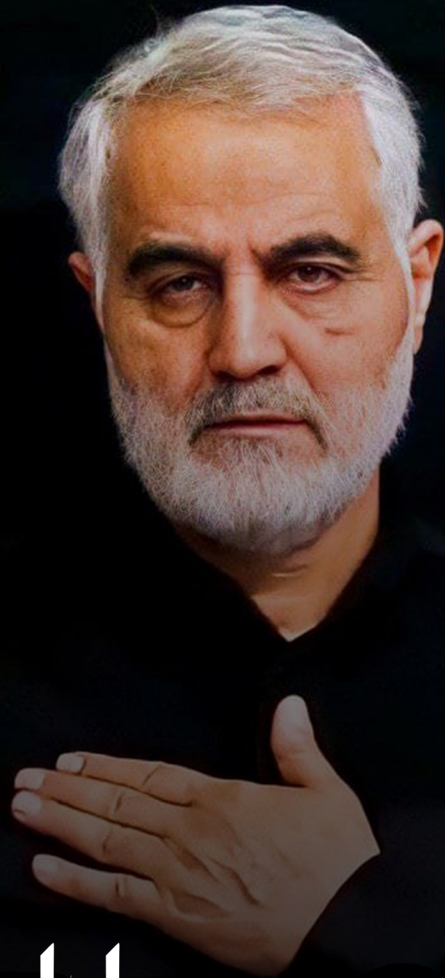


یا فاضل

شهدی شیرین تر از غسل

شهدی فرسنگ های دور

به اهریمن بگو



تو ای پادشاه
خون

خون تو پایان نداشت

زهرا رزقی 

علوم سیاسی ۹۶

در حوزه الگویی و منش نیز به مدیریت دینی تأکید دارد و نمونه‌هایی از استقامت علوی گونه را گوشزد کرده و با ذکر مضامینی چون رعایت ادب، بر تقوا و ادب الهی تکیه دارد. ضرورت این الگوها به آن جهت است که کارها به نحو درست صورت بگیرد و افراد کمتر دچار آزمون و خطا شوند.

در حوزه اصول روشی نیز مفاهیمی چون عشق به خدا و یاد او و ولایت مداری را مطرح می‌کند. این اصول را می‌توان ظهور بیرونی افکار و ارزش‌ها دانست که می‌بایست مفاهیم این مکتب را در طول زمان، همراه با پویایی ولی بدون تغییرات بنیادی به حرکت درآورد.

با توجه به مجموع این مفاهیم و مضامین که هم در زندگی و رفتار عملی سردار سلیمانی ظهور یافته بود و هم در وصیت‌نامه ایشان به‌جای مانده است می‌توان راه و روش ایشان را مکتب دانست. چرا که مشتمل بر مجموعه‌ای از باورها و اعتقادات است که انسان را برای انجام نوعی خاص از عمل در حوزه‌هایی چون عبادت، مدیریت، رفتار، تقوا و ادب و... رهنمون می‌کند.

حاج قاسم توانست محبوب دل‌های بسیاری از مردم باشد؛ چه در مرزهای ایران و چه در خارج از آن و در قلوب آزادگان جهان. بررسی ابعاد مختلف مکتب سلیمانی می‌تواند همه‌ی کسانی را که دل در گرو آن دارند تا به آن ملحق شوند را راهنمایی کند که چگونه در این مسیر گام بردارند. آنچه اهمیت دارد آن است که وابستگی و مشابهت مکتب سلیمانی با دین اسلام در ضمن اخلاص در عمل را می‌توان عامل ماندگاری آن دانست که در بعد زمان و

مکان نمی‌گنجد و همه آزادگان تاریخ می‌توانند به این دریای خروشان بپیوندند. طبق بیان مقام معظم رهبری، "با رفتن او به حول و قوه‌ی الهی کار او و راه او متوقف و بسته نخواهد شد" و خون او پایان نخواهد داشت...

۱۳ دی‌ماه ۹۸ از آن روزهایی است که در حافظه تاریخی ملت ایران ماندگار شد. روزی که ملت ایران به نظاره در خود غلطیدن قهرمانش نشست. همان که ارزش‌ها و داشته‌های خود را در او متبلور دیده بود. شهادت او توانست زنده‌بودن مکتب اسلام و انقلاب را به رخ دنیا بکشد و مقام معظم رهبری با تأکید بر این‌که به راه حاج قاسم به‌عنوان یک مکتب نگریسته شود، اهمیت و قدر این نوع نگاه و رویکرد به ایشان را مشخص می‌سازد. البته باید توجه داشت که بررسی این مکتب بدون در نظر گرفتن رابطه آن با اسلام و انقلاب ممکن نیست. چراکه از یک‌سو مشروعیت این مکتب ناشی از میزان مشابهت با شرع اسلام بوده و از سوی دیگر پرورش یافتن آن در دل انقلاب اسلامی رخ داده است.

اما مکتب چیست؟ به‌طور کلی مکتب را می‌توان مجموعه‌ای از باورها و اعتقادات دانست که آدمی را به انجام سبک و روش خاصی از عمل وامی‌دارد؛ یا به قول شهید مطهری "مکتب یک تئوری کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است."

مهم‌ترین مؤلفه اعتقادی مکتب حاج قاسم که منبع سایر مؤلفه‌های این مکتب است را می‌توان نگاه توحیدی دانست. این اعتقاد منجر به ایجاد خصایصی چون عبادت، خدمت، نفی استکبار، ولایت‌پذیری، اخلاص و... شده بود. با سیری در وصیت‌نامه سردار سلیمانی می‌توان این مؤلفه‌ها را به وضوح دید.

اصول اندیشه‌ای و معرفتی او بر خداباوری، تفکر راهبردی ولایی و آخرت باوری مبتنی است. این اصول که از جنس معرفتی هستند به‌عنوان قوه محرک در نظر گرفته می‌شوند که چگونگی عمل را معین می‌کنند که نتیجه‌ی آن نمود رفتارهای مبتنی بر اندیشه توحیدی است.

سردار سلیمانی در اصول ارزشی و بینشی که کمک‌کننده در مسیر حرکت هستند، اخلاص در گفتار و عمل، التزام عملی به دین و روحیه جهادی و انقلابی‌گری را در وصایای خود تبیین می‌کند.

شهادت شهیدی شیرین تر از عسل



امین حسین زاده

علوم سیاسی ۹۹

میدان نبرد شهرت فراوانی داشت بلکه در عرصه زندگی شخصی و رفتار اجتماعی اش با مردم نیز انسانی اسوه بود که با وجود تمام مشغله‌هایی که در ذهن داشت هیچ وقت پدر و مادر، همسر و فرزندان خود را از یاد نمی‌برد و با مهربانی بسیار با آنان رفتار می‌کرد. حال، مگر می‌شود در مورد حاج قاسم صحبت شود و از شیوه معاشرت این سردار رئوف و خوش اخلاق با دوستان و حتی مردم معمولی کوچه بازار سخن به میان نیاورد. ایشان آنقدر خوش مشرب و دلسوز بودند که بعید می‌دانم جز آنان که میدان را در مقابل دیپلماسی می‌دانند و میش‌های گرگ صفت حساب می‌شوند شخص دیگری دلخوری و ناراحتی‌ای از وجود ارزشمند حاج قاسم به دل داشته باشد و این مورد از مراسم تشییع بی‌نظیر و شکوهمند ایشان خوبی نمایان است.

دشمنان بزدل گمان می‌کردند با شهادت ایشان آتش عشق مردمان با ایمان و غیور این سرزمین در راه اسلام و ائمه اطهار خاموش می‌شود؛ اما آنها کور خواندند زیرا نه تنها این آتش خاموش نشد بلکه روز به روز از همان لحظه شنیده شدن خبر شهادت ایشان شعله‌ور تر شد، جوانان مصمم‌تر شدند که با این آتش به وجود آمده در درون قلب‌های خود، بنیان و ریشه تروریست‌ها و دشمنان اسلام را بسوزانند و مانع این شوند که آمریکایی‌ها اندکی خواب خوش بدون ترس و واهمه به چشمان خود ببینند.

ایران قهرمان پرور است. قهرمان‌هایی از جنس شهادت که مخلصانه جان خود را بر کف دستان خود می‌گذارند و در راه ایمان و دفاع از ارزش‌های والای اسلام چه گوارا شربت شهادت را می‌نوشند و جلوه‌ای از یک انسان مخلص و شجاع را به جهانیان به نمایش می‌گذارند. تاریخ این مرز و بوم از این شهدا و انسان‌های با ایمان به خود ندیده است. از شهدای دفاع مقدس گرفته تا شهدای ترور و مدافعان حرم. اما در این بین شهامت و جسارت برخی از آنها بی‌بدیل است و چشمان جهانیان را در تحیر فرو گذاشته است. سردار دلها، حاج قاسم سلیمانی یکی از بی‌بدیل‌ترین انسان‌های مجاهدی است که نه تنها در راه میهن بلکه کیلومترها آن طرف‌تر برای دفاع از مسلمانان جان خود را در کف دست گرفته بود که خدایی ناکرده ذره‌ای به دین اسلام و مسلمانان هتک حرمت نشود. این سردار دلیر با حضور در صحنه‌های نبرد چنان واهمه و ترسی در دل دشمنان اسلام انداخته بود که آنان از هر فرصتی برای شهادت ایشان استفاده می‌کردند و در نهایت نیز با بزدلی تمام ایشان را در راه عزیمت به ماموریت خود به شهادت رساندند و حاج قاسم را به بزرگترین آرزویشان یعنی شهادت رساندند. اما حاج قاسم نه تنها به خاطر شجاعت در

شهید فرسنگ‌های دور

فهمیه بازوبندی



علوم سیاسی ۹۹

برازنده‌تر از نام شهادت بی‌گمان از آن تو بود
تو بزرگترین تندیس ایران را نماد بزرگی و
عظمت ساختی
نمادی از جنس رهروی راه پر فراز و نشیب
راهی قاطعانه و با صلابت روبه‌روی طوفان...
شهد شیرین شهادت گوارای وجودت باد
تو آسمانی تر از آن بودی که در این خاک
بمانی
که با جسارت از خداوند ستاندی
و او تو را پاکیزه پذیرفت
تا به دیرینه ترین آرزو دستیابی
سازق و چارقت پر از فضل و کرم الهی بود
که شهادت تو آن را وحدت آفرین کرد...
در این سیاره جایی هست که همه آرزو دارند

تو روبه‌رویشان بایستی...
جایی هست که کلمات تو برای همه مقدس
باشد
ما در هوای تو بی‌خیال همه عالم شدیم
و زنده نگه داشتن تو کمتر از شهادت نیست...
حتما با خود می‌گفتی
اگر بال و پری هست، زمین‌گیری جرم است
راستی مرد میدان، مادر سادات را دیدی؟
تو اسلام را همیشه به مثابه قبل سرافراز و
جاویدان گذاشتی
برای من گرمی‌ترین بزرگ‌مرد
صفحه نخست تاریخ معاصر ایران هستی...
تو آن شهید غریبانه فرسنگ‌ها خارج از این
مرزی
که بهشت رضوان خداوندی ورودت را
افتخارآمیز تهنیت می‌گوید...
بین خودمان بماند سردار دلها...
جنگ‌های تو معرفت مذهب بود
ولی خبر شهادتت چه بی‌مقدمه قلبم را فشرد.
تو می‌دانستی که در دل طوفان فرصتی است
که آخر خوشبختی یک عاشق
رسیدن به اربابش است...
خنده‌های تو مرا باز از این فاصله کشت
به قول شاعر:
نقاش نیستم شاعرم...
از لبخندت شعری خواهم گفت
که داوینچی را تحقیر خواهد کرد...

مردی که آواز هاش به افلاک رسید

نرگس حسین‌زاده



علوم سیاسی ۱۴۰۰

قلم قاصر از خلق واژگانی برای وصف او و زبانی
که در دهان‌ها قفل شده‌است.
وصف تو این چنین دشوار است که الفاظ را از
یاد برده‌ام.
از حاج قاسم گفتن چه سخت است!
حاج قاسمی که در راه حق جان بر کف بود
و در مسیر دفاع از وطن و اسلام چه مردانه
کوشید و الحق که مرگی جز شهادت به حاج
قاسم نمی‌آمد.
حاج قاسمی که شجاعت نگاهش دیده‌های
دشمن را کور می‌کرد و صلابت صدایش گوش
دشمن را کرا!
حاج قاسمی که مرز بود برای این سرزمین...
حاج قاسمی که باران بود برای خشکی‌های
کارون
حاج قاسمی که نور بود برای پژمردگی

شعمدانی‌ها
حاج قاسمی که پدر بود برای یتیمان و بی‌کسان
حاج قاسمی که در دل‌ها بود و نه بر لب‌ها
حاج قاسمی که در نهایت تواضع زندگی کرد و
تا زمان حیاتش کمتر کسی او را می‌شناخت
اما زمان شهادتش سیلی از جمعیت در سراسر
کشورش در غلیان بود از غم رفتن و نبود او...
چون او بزرگ بود و این بزرگی از جنس خدا
بود. عظمتی که تکذیب کردنی نبود و نیست.
او سرشار از همدلی و رفعت بود و برای همه
رفیق بود تا فرمانده!
او همانند یک سرباز برای دفاع از حق مظلومین
می‌جنگید و همانند کودکی برای آن‌ها اشک
می‌ریخت.
در نهایت شجاعت، دل‌رحم و رئوف بود و
در نهایت دل‌رحمی همچون کوهی محکم و

به اهریمن بگو

رضا حسین پور

حقوق ۹۷

بغض گلو راه نفس بر ما ببندد
بهر جهاد از رهبری فرمان نباشد
ای رهبر آزاده ما آماده هستیم
یک سر کفن پوشیم و این پنهان نباشد
خون شهیدان را پیام این بوده بر ما
دیگر نفاق آذر و آبان نباشد
موشک جواب موشک است ای پست بزدل
در جان شیران بیم گفتاران نباشد
سردار دل‌ها تا ابد در قلب و جان‌ها است
ماهی چو او در آسمان تابان نباشد
تشیع این پیکر ببین چه با شکوه است
کو دیده‌ای کز رفتنش گریان نباشد؟

سردار محبوب دل ما را که کشتید
حکم قصاصش بر شما آسان نباشد
با این جنایت که نمودی ای یهودی
شهر تلاویو را دمی سامان نباشد
تا انتقام سختی از دشمن نگیریم
آرامشی در کشور ایران نباشد
خون سلیمانی بگیرد دامت را
افتی به دردی که بر آن درمان نباشد
ساکت نمی ماند بسیجی و سپاهی
تا خانه کفر و ستم ویران نباشد
آن لحظه آرامش پذیرد قلب شیعه
خاورمیانه خانه دونان نباشد
جنگ جهانی می کند بر پا سپاهی
آل سعودی گر به خون غلطان نباشد

ای دل به اهریمن بگو خندان نباشد
از کشتن سردارمان شادان نباشد
در یک شبیخونی به سویش حمله کردید
این ناگهانی ضربه بی جبران نباشد
از پشت سر خنجر زدن کار کسی هست
کو را توان جنگ در میدان نباشد
چون در تمام جبهه‌ها فتح و ظفر یافت
تصمیمتان این شد که او با جان نباشد
گفتی که ما هم مثل تو کاری نماییم
لیکن به سردارانتان چون آن نباشد
خون همه فرماندهان و افسران
با قطره‌ای از خون او یکسان نباشد
سردار داعش کُش اگر چه بین ما نیست
لیکن به راه رفته‌اش پایان نباشد

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى فَاطِمَةَ وَاَيِّهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا وَسِرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا بَعْدَ مَا اَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ

ویژه نامه دومین سالگرد شهادت حاج قاسم سلیمانی 13 دی ماه 1400

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سجاد دنیوی

شماره مجوز: 14002141

دبیر هیئت تحریریه: زهرا رزقی

سر دبیر: امین حسین زاده

اعضا هیئت تحریریه: مهدی شاهسون، بهاره حسینی محراب، معصومه سیستانی، فاطمه لحاظی، حانیه حسن زاده، منیژه کریم داد، نرگس حسین زاده، رضا حسین پور، فهیمه بازوبندی، زینب فضائلی، زهرا نخعی، هانیه شرقی شهری، زهرا دلیر، علیرضا دشتی، سجاد واحدی، زهرا یوسفی